

نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

The Mediating Role of Identity Processing Styles in the Relationship between Attachment Styles and Cognitive Emotion Regulation

Hamideh Mohammadi, MSc

Mahboobe Fouladchang, PhD

حمیده محمدی *

دکتر محبوبه فولادچنگ *

Abstract

The aim of present study was to investigate the mediating role of identity processing styles in the relationship between attachment styles and cognitive emotion of regulation. Participants included 378(253 females and males 125) selected from Shiraz University students selected by multistage random cluster sampling method. The research instruments were Attachment Styles Scale (Gillath, Hart, Nofhle, & Stockdale, 2009), Identity Styles Scale (ISS-6G, White, Wampler & Winn, 1998) and Cognitive Emotional Regulation Questionnaire (Granevski, Kraaij & Spinhoven). Findings showed that secure attachment had indirect effects on positive and negative cognitive emotion of regulation strategies by mediation of informational identity style and by mediating of normative identity style had an indirect effect on positive cognitive emotion regulation strategies. Ambivalent attachment had indirect effects on positive emotion regulation by mediation of informational and normative identity styles and on negative emotion regulation strategies by informational identity style. In addition avoidant attachment showed an indirect effect on positive and negative cognitive emotion regulation strategies by mediation of diffused identity style. Accordingly, identity processing styles played mediating roles in relationship between attachment styles and cognitive emotion regulation.

Keywords: identity processing styles, attachment styles, cognitive emotion regulation

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بود. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۳۷۸ نفر (۲۵۳ دختر و ۱۲۵ پسر) از دانشجویان دانشگاه شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس سبک‌های دلبستگی، مقیاس سبک‌های هویت و پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان بودند. نتایج تحلیل مسیر از نوع مدل یابی معادلات ساختاری حاکی از آن بود که دلبستگی ایمن، به‌واسطه سبک هویت اطلاعاتی، دارای اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان و به‌واسطه سبک هویت هنجاری، دارای اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان است. دلبستگی اضطرابی، به‌واسطه سبک‌های هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری، اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و به‌واسطه سبک هویت اطلاعاتی اثری غیرمستقیم بر راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان دارد. همچنین دلبستگی اجتنابی، به‌واسطه سبک هویت سردرگم، دارای اثری غیرمستقیم بر راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان است. بر این اساس، سبک‌های پردازش هویت، نقش واسطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان ایفا کردند.

کلید واژه‌ها: سبک‌های پردازش هویت، سبک‌های دلبستگی، تنظیم شناختی هیجان

□ Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, I. R. Iran.

✉ Email: hm.mohammadei@gmail.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۳/۲۸

* دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

● مقدمه

به اعتقاد روانشناسان کارکردهای متعدد روانی، شناختی، فیزیولوژیکی و رفتاری به موفقیت افراد در تنظیم هیجان وابسته است (گراس و تامسون، ۲۰۰۷). از جمله کارکرد مؤثر تنظیم هیجان این است که تأثیر ارزیابی‌ها و واکنش‌های ذهنی افراد را در مواجهه با حوادث تنیدگی‌زا تعدیل می‌کند و به واکنش‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری مناسب در چنین شرایطی منجر می‌شود (لازاروس، ۱۹۹۱). تنظیم هیجان شامل راهبردهای مقابله‌ای است که افراد هنگام مواجهه با هیجانات شدید استفاده می‌کنند (لیهی، ۲۰۱۲) و به‌عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر احساس درونی و هیجان‌های مرتبط با فرآیندهای زیستی، روانی و اجتماعی تعریف می‌شود (ویمز و پینا، ۲۰۱۰). این توانایی نقش اساسی در زندگی انسان ایفا می‌کند و به‌عنوان یک فرآیند مهم در پژوهش و درمان آسیب‌های روانی و برخی آسیب‌های جسمانی مورد توجه قرار گرفته است (کرینگ و اسلوان، ۲۰۱۰؛ منین و فرسکو، ۲۰۱۰). نظریه‌پردازان بر این باورند، افرادی که قادر به مدیریت صحیح هیجان‌های خود نیستند، بیشتر نشانه‌های اختلال‌های درونی‌سازی شده نظیر اضطراب و افسردگی را نشان می‌دهند (نولن - هوکسما، ویسکو، و لیوبمیرسکی، ۲۰۰۸؛ آیزنبرگ، هوفر و واگان، ۲۰۰۷) و مستعد پرخاشگری و سوءمصرف مواد هستند (رمضان زاده، مرادی و محمدخانی، ۱۳۹۴). بر این اساس شناخت پیشایندهای تنظیم هیجان به‌عنوان سازه‌ای که درک وسیعی در این زمینه در اختیار می‌گذارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در تنظیم هیجان از دو نوع راهبرد «شناختی» و «رفتاری» استفاده می‌شود. (گارنر و واجاید، ۲۰۱۲ و رمانی، برونل، و کمپل، ۲۰۱۰). «راهبردهای تنظیم شناختی هیجان»^۱، به نحوه تفکر افراد پس از بروز یک تجربه منفی یا واقعه آسیب‌زا به‌منظور کاهش، افزایش یا نگهداری تجارب هیجانی اطلاق می‌گردد (گراس، ۲۰۰۷). به باور گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۶) این راهبردها کنش‌هایی هستند که نشان‌دهنده راه‌های کنار آمدن فرد با وضعیت تنش‌زا و اتفاقات ناگوار است. راهبردهای شناختی تنظیم هیجان را می‌توان به دو دسته مثبت (سازگارانه) و منفی (ناسازگارانه) تقسیم نمود. راهبردهای مثبت شامل راهبردهایی از قبیل «ارزیابی مجدد مثبت»، «تمرکز مجدد مثبت»، «پذیرش»، «دیدگاه‌پذیری» و «تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی» است. راهبردهایی مانند «سرزنش خود»، «سرزنش دیگران»، «شخوار ذهنی» و

«فاجعه انگاری» در دسته راهبردهای منفی قرار می‌گیرند که هر کدام پیامدهای خاص خود را خواهند داشت (گارفنسکی و کرایچ، ۲۰۰۶؛ گارفنسکی، کوپمن، کرایچ، و کیت، ۲۰۰۹).

مطابق دیدگاه‌های شناختی - اجتماعی، رشد و شخصیت کودکان و دستیابی آنان به تنظیم هیجان در درون خانواده رخ میدهد و تحت تأثیر عوامل محیطی نظیر روابط والد فرزندی قرار دارد. در همین راستا، «نظریه دلبستگی»^۲ بالبی به‌عنوان یکی از کارآمدترین نظریات مطرح شده است. مطابق این نظریه، نوع ارتباط فرد و خانواده و کیفیت دلبستگی از جمله عوامل اساسی و تأثیرگذار بر راهبردهای تنظیم هیجان است. دلبستگی یک رابطه عاطفی عمیق است که فرد را به یک همراه صمیمی پیوند می‌دهد و به‌عنوان یک تعیین‌کننده مهم سلامت و بهزیستی روانی شناسایی شده است (میکالینسر و شیور، ۲۰۰۷).

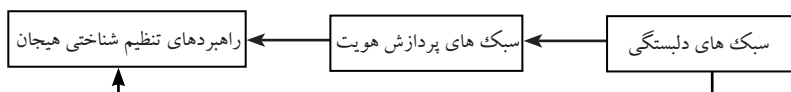
نظریه پردازان دلبستگی بر این باورند که اولین الگوهای ذهنی فرد از خود و دیگران، بر پایه روابط بین نوزاد و مراقبین اولیه شکل می‌گیرد (بالبی، ۱۹۷۳؛ مین، کاپلان، و کسیدی، ۱۹۸۵) و بر همین اساس، اولین پایه حس هویت او مبتنی بر دلبستگی و نحوه ارضای نیازهایش شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه بالبی، دلبستگی بر «الگوی فعال درونی»^۳ (الگوی پردازش ذهنی) تأثیر می‌گذارد و از این طریق، سازگاری، روابط آینده و رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر بالبی، کودک از طریق تعامل با والدین یک الگوی فعال درونی می‌سازد که عبارت است از یک بازنمایی شناختی از خود و دیگران که انتظارات او در مورد روابط، شیوه پردازش اطلاعات و راهبردهای تنظیم هیجان در بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بالبی، ۱۹۷۳؛ بیکر و هورگر، ۲۰۱۲). برزونسکی (۱۹۹۴، ۲۰۱۱) بر این باور است که «سبک‌های هویت»^۴، بازتابی از جهت‌گیری‌های پردازش اطلاعات هستند و به راهبردهای شناختی - اجتماعی که افراد هنگام ساختن هویت خود و متعهد شدن نسبت به ارزش‌ها و باورها از آن‌ها استفاده می‌کنند، اشاره دارد. این سبک‌ها، راه‌های پردازش اطلاعات و مقابله با مشکلات است (برمن و شوارتز، و کارتینز، ۲۰۰۱) و عبارت‌اند از: «سبک اطلاعاتی»^۵، «سبک هنجاری»^۶ و «سبک سردرگم - اجتنابی»^۷ (برزونسکی، ۱۹۹۴؛ سانز، برزونسکی، وانستینکیست، بیرز، و گوسنز، ۲۰۰۵). بنا به اعتقاد برزونسکی (۲۰۰۳) سبک‌های پردازش هویت تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله شیوه‌های فرزند پروری والدین قرار می‌گیرد. از طرفی این سبک‌ها خود نیز بر ادراک فرد از خویشتن، بروندادهای رفتاری و شیوه‌های

عملکردی فرد تأثیر می‌گذارند. طبق دیدگاه‌های نظری مانند نظریه دلبستگی بالبی، کیفیت والدینی بالا در ادراک مثبت از خود و دیگران سهیم است و پایگاه امنی برای اکتشاف افراد فراهم می‌کند (بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸). به اعتقاد ماتوس، باریوسا، آلمیدا و کاستا (۱۹۹۹) روابط نزدیک کودک با والدین، وی را قادر می‌سازد تا در کشف جهان پیرامون خود اعتماد کند و شرایط مناسبی فراهم کند تا راه‌های متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کند و در نتیجه به یک احساس قوی از خود برسد. نتایج پژوهش‌های مختلف نیز نشانگر اثر روابط صمیمانه والدین بر رشد هویت فرزندان (اسمیتس، سونز، لوی کاکس، دوریز و برزونسکی، ۲۰۰۸؛ جاگروزو همکاران، ۲۰۱۴)؛ گلفم و گل، ۲۰۰۵؛ حجازی و نگهبان سلاحي، ۱۳۸۸) و اثر دلبستگی ناایمن بر شکل‌گیری هویت سردرگم است (ساموولیس، لایرن، و شیافینو، ۲۰۰۱).

مسئله اساسی تحقیق حاضر تبیین علی تنظیم شناختی هیجان بر اساس «نظریه دلبستگی بالبی» و «نظریه سبک‌های پردازش هویت برزونسکی» است. اگرچه پژوهش‌هایی به‌طور جداگانه به رابطه سبک‌های دلبستگی با هویت و یا تنظیم هیجان پرداخته‌اند، اما چگونگی تأثیر سبک‌های دلبستگی بر تنظیم هیجان روشن نیست. به بیان دیگر این پژوهش به دنبال بررسی فرآیند تأثیر دلبستگی بر تنظیم شناختی هیجان است. این مسئله که آیا سبک‌های دلبستگی از طریق تأثیرگذاری بر نحوه پردازش هویت بر تنظیم شناختی هیجان تأثیر می‌گذارد، نیازمند بررسی است. طرح واسطه‌گری سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان در این پژوهش با توجه به مضامین هر دو نظریه صورت گرفته است. مطابق نظریه بالبی، هویت فرد تحت تأثیر نحوه مراقبت والدین قرار دارد و الگوهای فعال درونی که از طریق تعامل با والدین شکل می‌گیرد، بر شیوه پردازش اطلاعات و شیوه تنظیم هیجان افراد در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، نوع سبک دلبستگی افراد از طریق تأثیرگذاری بر الگوی فعال درونی بر رفتار و شناخت تأثیرگذار است. همچنین طبق نظریه برزونسکی، سبک‌های پردازش هویت، راه‌های پردازش اطلاعات و مقابله با مشکلات است که تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله شیوه‌های فرزند پروری قرار می‌گیرد.

با نگاهی اجمالی به دو نظریه بالبی و برزونسکی و تلفیق این دو نظریه، مدل مفهومی تحقیق حاضر شکل می‌گیرد. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که آیا سبک‌های دلبستگی با تحت تأثیر قرار دادن نوع پردازش اطلاعات مربوط به هویت می‌تواند بر تنظیم

شناختی هیجان تأثیرگذار باشند. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر

با توجه به چارچوب مفهومی نظریه دلبستگی و بازیابی پیشینه تحقیقاتی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان است.
۲. سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده سبک‌های پردازش هویت است.
۳. سبک‌های پردازش هویت، نقش واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دارد.

پاسخ به این فرضیه‌ها از این جهت اهمیت دارد که تنظیم هیجان یکی از مهم‌ترین سازه‌های روانشناسی تربیتی و عامل مهمی در تعیین سلامت عمومی، سازگاری، تاب‌آوری و داشتن عملکرد موفق در روابط، تحصیل و شغل است (رنجبر نوشری، زارع، برادران و معما، ۱۳۹۵). چنانچه عوامل مؤثر بر تنظیم شناختی هیجان و پیشایندهای آن شناسایی شود، هم در برنامه‌ریزی جهت آموزش و ارتقاء سطح آگاهی جامعه و والدین و هم در محیط‌های آموزشی با سرمایه‌گذاری در این زمینه، امکان پیشگیری از عواقب عدم تنظیم هیجان و به تبع پیشگیری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌آید و مسئولین امر تعلیم و تربیت می‌توانند هم در زمینه پیشگیری و هم مداخله اقدام نمایند.

● روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود که در آن با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای مدل پیشنهادی تحلیل شد. متغیرهای این پژوهش شامل «سبک‌های دلبستگی» به عنوان متغیر برون‌زاد، «سبک‌های پردازش هویت» به عنوان متغیر واسطه‌ای و «راهبردهای تنظیم شناختی هیجان» به عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شدند. برای تعیین معناداری نقش واسطه‌گری متغیر میانجی از روش بوت / استراپ استفاده شد.

جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۳۷۸ نفر (۴ برابر تعداد ماده‌های ابزار) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز انتخاب شدند.

● ابزار

□ الف: **مقیاس سبک‌های دلبستگی**^۸: توسط گیلان و همکاران (۲۰۰۹) تهیه شده و دارای ۲۱ ماده است که ۸ ماده سبک دلبستگی ایمن، ۸ ماده سبک اضطرابی و ۵ ماده سبک اجتنابی را در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای موردسنجش قرار می‌دهند. برای بررسی اعتبار مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج تحلیل حاکمی از اعتبار قابل قبول ابعاد مقیاس دلبستگی بود و این ضرایب برای سبک دلبستگی ایمن، ۰/۶۷، سبک اضطرابی، ۰/۷۳ و برای سبک اجتنابی، ۰/۹۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز روایی مقیاس از طریق تحلیل عامل اکتشافی بررسی گردید و از روش آلفای کرونباخ جهت تعیین اعتبار استفاده شد. ضرایب اعتبار برای سبک ایمن ۰/۷۴، سبک اضطرابی ۰/۷۱ و برای سبک اجتنابی ۰/۶۷ به دست آمد.

□ ب: **مقیاس سبک‌های هویت**^۹: این مقیاس در سال ۱۹۹۸ توسط وایت، و امپلر و وین طراحی شد و مشتمل بر ۴۰ ماده می‌باشد. ۱۱ ماده مربوط به سبک هویت اطلاعاتی، ۹ ماده مربوط به سبک هویت هنجاری، ۱۰ ماده مربوط به سبک هویت سردرگم/اجتنابی می‌باشد و ۱۰ ماده میزان تعهد شخص را اندازه‌گیری می‌کند که در پژوهش حاضر این ۱۰ ماده مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفتند. ماده‌ها در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای موردسنجش قرار می‌گیرد. برای تعیین اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که ضرایب حاصله برای سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۷، ۰/۶۹ به دست آمد. *غضنفری* (۱۳۸۳) اعتبار این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ محاسبه نمود و ضرایب ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را به دست آورد و روایی مطلوب را گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضرایب برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۵، هنجاری، ۰/۶۵ و سردرگم-اجتنابی، ۰/۷۶ به دست آمد.

□ ج: **پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان**^{۱۰}: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۹ توسط گرنفسکی، کریج و اسپین هاون هیجان، طراحی و به منظور شناسایی راهبردهای مقابله شناختی بعد از

تجربه ناگوار به کار می‌رود. این پرسشنامه با ۹ مؤلفه (سرزنش خود، پذیرش، نشخوار ذهنی، توجه مجدد مثبت، توجه مجدد به برنامه‌ریزی، باز ارزیابی مثبت، دیدگاه پذیری، فاجعه‌آمیز پنداری و سرزنش دیگران) دارای ۳۶ ماده است. راهبردهای سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه‌آمیز پنداری در مجموع، راهبردهای منفی تنظیم هیجان را تشکیل می‌دهند و راهبردهای پذیرش، توجه مجدد به برنامه‌ریزی، توجه مجدد مثبت، باز ارزیابی مثبت و دیدگاه پذیری راهبردهای مثبت تنظیم هیجان را نشان می‌دهند. سازندگان پرسشنامه، اعتبار آن را از طریق آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۹۱، راهبردهای منفی ۰/۸۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. محمدی و مزیدی (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود اعتبار آن را از طریق آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۸۸، راهبردهای منفی ۰/۸۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، روایی مقیاس از طریق تحلیل عامل اکتشافی بررسی گردید و اعتبار پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۸۶ و برای راهبردهای منفی ۰/۸۰ به دست آمد.

● یافته‌ها

ابتدا برای اطمینان از اینکه داده‌های پژوهش مفروضه‌های زیر بنایی روش مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورده می‌نماید، پیش از اجرای تحلیل مسیر مدل پژوهش، پس از غربالگری داده‌های اولیه (بررسی داده‌های ازدست‌رفته و بررسی داده‌های پرت) چند مفروضه اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری (نرمال بودن، خطی بودن، استقلال خطاها و هم خطی چندگانه) بررسی شد که نتایج بیانگر وجود شرایط مناسب داده‌های گردآوری شده بود. طبیعی بودن تک متغیری با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای مشاهده‌شده و نمودار احتمال نرمال و نرمال بودن چندمتغیری با استفاده از ضریب ماردیا در نرم‌افزار ایموس بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده طبیعی بودن متغیرهای مشاهده‌شده بود و ضریب ماردیا نیز نرمال بودن چند متغیری را تأیید کرد. برای بررسی خطی بودن رابطه متغیرهای پژوهش، ماتریس‌های نمودار پراکندگی متغیرها و نمودار پراکندگی باقیمانده‌ها بررسی شد. ماتریس نمودارهای پراکندگی، خطی بودن رابطه متغیرهای مشاهده‌شده را نشان دادند. نمودار پراکندگی باقیمانده‌ها نیز حاکی از رابطه خطی بین نمره‌های متغیر وابسته پیش‌بینی شده و

خطاهای پیش‌بین است. هم خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین نیز با استفاده از آماره تحمل و عامل تورم واریانس بررسی شد. که نتایج نشان‌دهنده عدم هم خطی چندگانه متغیرهاست. به‌منظور ارائه تصویر روشن‌تر از وضعیت متغیرهای پژوهش و پیش از پرداختن به یافته‌های مرتبط با آزمون الگوی پژوهش، شاخص‌های توصیفی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی دو متغیری میان متغیرهای الگوی پیشنهادی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. دل‌بستگی ایمن	۲۷/۷۲	۴/۳۲							
۲. دل‌بستگی اضطرابی	۲۷/۸۲	۴/۵۲	۰/۰۶						
۳. دل‌بستگی اجتنابی	۱۲/۴۱	۳/۴۷	-۰/۲۶**	۱					
۴. هویت اطلاعاتی	۴۰/۲۵	۵/۶۴	۰/۲۱**	-۰/۱۱*	۱				
۵. هویت هنجاری	۲۸/۰۶	۴/۳۷	۰/۲۵**	۰/۱۳**	-۰/۱۴**	۱			
۶. هویت سردرگم	۲۶/۲۶	۴/۸۹	-۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۲۰**	۰/۰۷	۱		
۷. راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان	۶۰/۹۹	۱۱/۴	۰/۲۴**	-۰/۰۸	-۰/۰۳	۰/۲۶**	-۰/۰۲	۱	
۸. راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان	۴۳/۲۱	۸/۶۳	-۰/۰۷	۰/۲۶**	۰/۰۹	۰/۲۵**	۰/۰۶	۰/۱۵**	۱

معناداری: * $p < 0/01$, ** $p < 0/05$

در ادامه با کمک نسخه ۲۲ نرم‌افزار آماری AMOS، تحلیل مسیرهای الگوی پیشنهادی پژوهش در دستور کار قرار گرفت. جدول ۲ نتایج حاصل از بررسی اثرات مستقیم الگو را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول آمده است، اثرات مستقیم دو سبک دل‌بستگی ایمن و اضطرابی بر راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان معنادار است و در این زمینه اثر مستقیم معناداری برای سبک دل‌بستگی اجتنابی مشاهده نشد. به‌طور دقیق‌تر، مشخص شد که سبک دل‌بستگی ایمن، از یک طرف پیش‌بینی کننده مثبت ($\beta = 0/17, p < 0/001$) استفاده از راهبردهای مثبت و از طرف دیگر پیش‌بینی کننده منفی ($\beta = -0/12, p < 0/02$) استفاده از راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان است. در مقابل، سبک دل‌بستگی دوسوگرا، استفاده از راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان را به گونه‌ای منفی ($\beta = -0/14, p < 0/004$)، و استفاده از راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان را به گونه‌ای مثبت ($\beta = 0/24, p < 0/001$) پیش‌بینی می‌کرد. افزون بر این، در بیشتر مسیرها نیز اثرات مستقیم متغیرهای واسطه‌ای (سبک‌های هویت) بر متغیرهای درون‌زاد (راهبردهای تنظیم شناختی هیجان) معنادار بود.

جدول ۲. نتایج مربوط به اثرات مستقیم الگو

معناداری	پارامترهای برآورد شده			متغیرها
	خطا (S.E)	استاندارد (β)	غیراستاندارد	
اثر دل‌بستگی ایمن بر:				
۰/۰۰۱	۰/۱۳۳	۰/۱۷	۰/۴۴	راهبردهای مثبت
۰/۰۲	۰/۱۰	-۰/۱۲	-۰/۲۴	راهبردهای منفی
۰/۰۰۱	۰/۰۶۷	۰/۲۰	۰/۲۶	هویت اطلاعاتی
۰/۰۰۱	۰/۰۵۲	۰/۲۳	۰/۲۳	هویت هنجاری
۰/۶	۰/۰۵۹	۰/۰۳	۰/۰۳	هویت سردرگم
اثر دل‌بستگی اضطرابی بر:				
۰/۰۰۴	۰/۱۲	-۰/۱۴	-۰/۳۵	راهبردهای مثبت
۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۲۴	۰/۴۶	راهبردهای منفی
۰/۰۱	۰/۰۶۲	۰/۱۲	۰/۱۵	هویت اطلاعاتی
۰/۰۳	۰/۰۴۸	۰/۱۱	۰/۱۰	هویت هنجاری
۰/۷۲	۰/۰۵۵	۰/۰۲	۰/۰۲	هویت سردرگم
اثر دل‌بستگی اجتنابی بر:				
۰/۷۴	۰/۱۶۴	۰/۰۲	۰/۰۵۵	راهبردهای مثبت
۰/۰۸	۰/۱۲۵	۰/۰۹	۰/۲۱	راهبردهای منفی
۰/۷۲	۰/۰۸۴	-۰/۰۲	-۰/۰۳	هویت اطلاعاتی
۰/۲۲	۰/۰۶۴	-۰/۰۶	-۰/۰۸	هویت هنجاری
۰/۰۰۱	۰/۰۷۴	۰/۲۱	۰/۳۰	هویت سردرگم
اثر هویت اطلاعاتی بر:				
۰/۰۰۱	۰/۰۹۸	۰/۲۰	۰/۴۰	راهبردهای مثبت
۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	۰/۲۴	۰/۳۷	راهبردهای منفی
اثر هویت هنجاری بر:				
۰/۰۰۱	۰/۱۲۸	۰/۱۹	۰/۴۹	راهبردهای مثبت
۰/۵۱	۰/۰۹۸	۰/۰۳	۰/۰۶	راهبردهای منفی
اثر هویت سردرگم بر:				
۰/۰۰۳	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۳۳	راهبردهای مثبت
۰/۰۱	۰/۰۸۵	۰/۱۲	۰/۲۱	راهبردهای منفی

بدین نحو که سبک هویت اطلاعاتی، هر دو گونه راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/24, p < 0/001$) را به صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. سبک هویت هنجاری نیز فقط راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان را به صورت مثبت و معناداری ($\beta=0/19, p < 0/001$) می‌تواند پیش‌بینی

کند. در راستای این نتایج، سبک هویت سردرگم نیز هر دو راهبرد مثبت تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/14, p < 0/003$) و راهبردهای منفی ($\beta=0/12, p < 0/01$) را به‌طور مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. در بررسی اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی (به‌عنوان متغیرهای برون‌زاد الگو) بر متغیرهای واسطه‌ای (سبک‌های هویت) نیز مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن به‌صورت مثبت و معناداری دو سبک هویت اطلاعاتی ($\beta=0/20, p < 0/001$) و هنجاری ($\beta=0/23, p < 0/001$) را می‌تواند پیش‌بینی کند. سبک دلبستگی اضطرابی نیز به‌طور مشابهی و البته ضعیف‌تری می‌تواند هویت اطلاعاتی ($\beta=0/12, p < 0/01$) و هنجاری ($\beta=0/11, p < 0/03$) را پیش‌بینی کند. باید اضافه کرد که این دو شکل از دلبستگی اثر معناداری بر هویت سردرگم نداشتند. در نقطه مقابل، نتایج مربوط به سبک دلبستگی اجتنابی بیانگر این بود که این نوع دلبستگی اثر معناداری بر هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری ندارد، اما قادر است که به‌صورت مثبت و معناداری ($\beta=0/21, p < 0/001$) هویت سردرگم را پیش‌بینی کند.

در ادامه، با استفاده از روش «خودگردان سازی»، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری سبک‌های پردازش هویت بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نیز مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل مذکور مشخص شد که برخی مسیرهای غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی به راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نیز معنادار است. در جدول ۳ خلاصه‌شده پارامترهای مربوط به مسیرهای معنادار یادشده ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج بررسی اثرات غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

معناداری	پارامترهای برآورد شده			مسیر متغیرها		
	خطا (S.E)	استاندارد (β)	غیراستاندارد	درون‌زاد	واسطه‌ای	برون‌زاد
0/013	0/015	0/034	0/09	راهبرد مثبت	هویت اطلاعاتی	ایمن
0/005	0/014	0/039	0/101	راهبرد مثبت	هویت هنجاری	
0/008	0/014	0/041	0/082	راهبرد منفی	هویت اطلاعاتی	
0/018	0/01	0/022	0/055	راهبرد مثبت	هویت اطلاعاتی	اضطرابی
0/04	0/011	0/017	0/043	راهبرد مثبت	هویت هنجاری	
0/008	0/013	0/026	0/05	راهبرد منفی	هویت اطلاعاتی	
0/01	0/014	0/031	0/101	راهبرد مثبت	هویت سردرگم	اجتنابی
0/03	0/014	0/026	0/064	راهبرد منفی	هویت سردرگم	

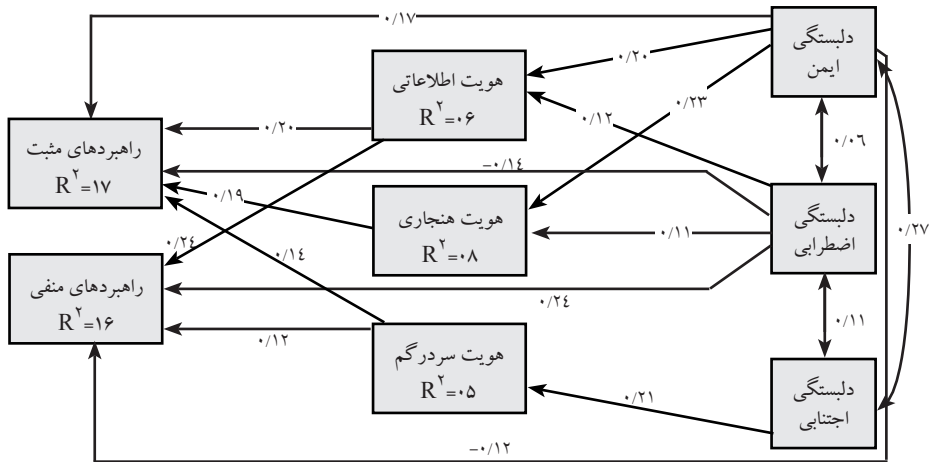
نتایج مندرج در جدول ۳ بیانگر این است که سبک دلبستگی ایمن اثر «واسطه‌گری جزئی» بر راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان دارد. بدین نحو که علاوه بر تأثیرات مستقیمی که گزارش شد، دلبستگی ایمن از طریق هویت اطلاعاتی ($\beta=0/034, p=0/013$) و هویت هنجاری ($\beta=0/039, p=0/005$) اثر غیرمستقیم مثبتی بر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان دارد. همچنین این نوع دلبستگی با واسطه هویت اطلاعاتی ($\beta=0/041, p=0/008$) اثر غیرمستقیم مثبتی نیز بر راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان دارد. در واقع، دلبستگی ایمن با تقویت سبک هویت اطلاعاتی منجر به افزایش استفاده از راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان می‌شود. همچنین دلبستگی ایمن با تقویت هویت هنجاری نیز منجر به افزایش استفاده از راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان می‌شود. در خصوص سبک دلبستگی اضطرابی نیز نتایج مشابهی به دست آمد، بدین نحو که دلبستگی اضطرابی به واسطه هویت اطلاعاتی ($\beta=0/022, p=0/018$) و هویت هنجاری ($\beta=0/017, p < 0/04$) اثر غیرمستقیم مثبتی بر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان دارد. دلبستگی اضطرابی با واسطه هویت اطلاعاتی ($\beta=0/026, p=0/008$) اثر غیرمستقیم مثبتی نیز بر راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان دارد. در خصوص سبک دلبستگی اجتنابی، با وجود اینکه اثر مستقیم معناداری برای این متغیر وجود نداشت، نتایج مشخص ساخت که این نوع دلبستگی به واسطه سبک هویت سردرگم می‌تواند اثر غیرمستقیم مثبت بر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان داشته باشد ($\beta=0/031, p=0/01$) و راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان ($\beta=0/026, p=0/03$) داشته باشد. در واقع هویت سردرگم رابطه این دو متغیر را به صورت کاملی واسطه‌گری می‌کند.

در ادامه به منظور بررسی میزان برازش مدل شاخصه‌ای برازش مدل محاسبه شد. همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، اگرچه مدل پژوهش برازش قابل قبولی داشت، اما با مراجعه به شاخصه‌ای اصلاح پیشنهادی و ترسیم کوواریانس خطاهای بین دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری، میزان برازش مدل به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. جدول ۴ نتایج مربوط به گام‌های انجام‌شده برای احراز برازش مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	χ^2	$\chi^2/d.f.$	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMSEA
مقادیر پیش از اصلاح	۱۲/۱۴	۳/۰۴	۰/۹۹	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۷
مقادیر پس از اصلاح	۵/۸۹۳	۱/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۰۵

علاوه بر برآوردهای فوق، آزمون مدل پژوهش نشان داد که با این مدل می‌توان ۱۷ درصد از واریانس راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و ۱۶ درصد از واریانس راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان را تبیین کرد. پس از حذف مسیرهای غیر معنادار، مدل نهایی پژوهش حاضر را می‌توان در شکل ۲ مشاهده کرد.



شکل ۲. نتایج آزمون مدل پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان از طریق سبک‌های دلبستگی و سبک‌های پردازش هویت

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف از انجام این مطالعه، بررسی رابطه ساختاری بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان با واسطه‌گری سبک‌های پردازش هویت بود. یافته‌های این پژوهش مطابق با فرضیه اول پژوهش نشان داد، «سبک دلبستگی ایمن»، از یک طرف پیش‌بینی کننده مثبت استفاده از راهبردهای سازگاران و از طرف دیگر پیش‌بینی کننده منفی استفاده از راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های لویز و گرملی (۲۰۰۲) و روتبارد و شیور (۱۹۹۴) همسو است. مطابق با نظر لویز و گرملی (۲۰۰۲) دلبستگی ایمن باعث بازداری در راهبردهای ناسازگاران می‌گردد.

○ یافته‌ها نشان داد که «سبک دلبستگی اضطرابی»، استفاده از راهبردهای ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان را به گونه‌ای مثبت و استفاده از راهبردهای سازگاران تنظیم شناختی هیجان را به گونه‌ای منفی پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پاسکازو و همکاران

(۲۰۱۳)؛ شارف و همکاران (۲۰۰۴)؛ میکالینسر و فلورین (۱۹۹۸) همسو است. مطابق با تحقیق پاسکازو و همکاران (۲۰۱۳) افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی تمایل به استفاده از راهبردهای ناسازگارانه مانند سرزنش خود، نشخوار ذهنی و فاجعه‌انگاری دارند تا به این وسیله بتوانند موقعیت مسئله‌زا را دائمی کنند.

○ همچنین نتایج نشان داد که بین دلبستگی اجتنابی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته همسو با نتایج مطالعات کوهن و همکاران (۲۰۱۲) است. بعضی از تحقیقات بین سبک اجتنابی و انتخاب راهبردهایی همچون عدم توجه به مسئله، عدم درگیری شناختی با مسئله و سرکوب هیجان رابطه معنی‌دار یافته‌اند (میکالینسر و اورباچ، ۱۹۹۵). راهبردهای مورد استفاده افراد اجتنابی واکنشی است و بیشتر در جهت فرار از هیجان است تا تنظیم هیجان.

○ یافته‌های تحقیق مطابق با فرضیه دوم پژوهش نشان داد، سبک دلبستگی ایمن به صورت مثبت و معناداری دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری را می‌تواند پیش‌بینی کند. این یافته مطابق با تحقیقات پیشین (جاگرز و همکاران، ۲۰۱۴ و ویرز و گوزنز، ۲۰۰۸) می‌باشد.

○ یافته دیگر پژوهش این بود که سبک دلبستگی اضطرابی نیز می‌تواند هویت اطلاعاتی و هنجاری را پیش‌بینی کند. در توجیه پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی توسط سبک دلبستگی اضطرابی می‌توان گفت، با توجه به تردید و دودلی این افراد در خصوص اعتماد به مظهر دلبستگی، این افراد ممکن است، اطلاعات را به صورت شناختی پردازش نموده و به واسطه پردازش و ارزیابی اطلاعات از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان استفاده نمایند. در نقطه مقابل، نتایج مربوط به سبک دلبستگی اجتنابی بیانگر این بود که این نوع دلبستگی قادر است به طور مثبت و معناداری هویت سردرگم را پیش‌بینی کند. این یافته مطابق با نتایج تحقیق ساموولیس و همکاران (۲۰۰۱) می‌باشد.

○ نتایج یافته‌ها در خصوص فرضیه سوم پژوهش مبنی بر بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نشان داد، دلبستگی ایمن با تقویت سبک هویت اطلاعاتی منجر به افزایش استفاده از راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان می‌شود. همچنین دلبستگی ایمن

با تقویت هویت هنجاری نیز منجر به افزایش استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان می‌شود. در توجیه نقش واسطه‌ای سبک هویت اطلاعاتی در رابطه بین دلبستگی ایمن و راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان، همان‌طور که بیان گردید، کیفیت والدینی بالا، پایگاه امنی برای اکتشاف افراد فراهم می‌کند (بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸) و آنها را قادر می‌سازد تا در کشف جهان پیرامون خود اعتماد کنند و راه‌های متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کنند (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج تحقیقات انجام‌شده در برخی کشورهای جمع‌گرا نظیر ایران نیز بیانگر این بود که پیامدهای سبک هویت اطلاعاتی، هماهنگ با کشورهای غربی فردگرا نمی‌باشد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ کرپلمن و همکاران، ۱۹۹۷؛ اریحیت و کرپلمن، ۲۰۰۹).

○ افزون بر این، نتایج نشان داد که «دلبستگی/ایمن» با تقویت هویت هنجاری نیز منجر به افزایش استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان می‌شود. افراد دلبسته ایمن به والدین علاقه وافری داشته و از نزدیکی به والدین استقبال می‌کنند. افراد با سبک پردازش هنجاری خود را با توقعات و دستورالعمل‌های اطرافیان مهم مطابقت می‌دهند. در واقع اتکا یک‌جانبه آنها بر درونی سازی، تهدیدات بالقوه برای خود را کاهش می‌دهد (سونز و همکاران، ۲۰۰۵). در خصوص سبک دلبستگی اضطرابی نتایج بدین نحو بود که دلبستگی اضطرابی به واسطه هویت اطلاعاتی و هنجاری اثر غیرمستقیم مثبتی بر راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان دارد.

○ یافته دیگر پژوهش در خصوص «سبک دلبستگی/اجتنابی» نشان داد، با وجود اینکه اثر مستقیم معناداری برای این متغیر وجود نداشت، این نوع دلبستگی به واسطه سبک هویت سردرگم می‌تواند اثر غیرمستقیم مثبت بر راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان داشته باشد. در واقع هویت سردرگم رابطه این دو متغیر را واسطه‌گری می‌کند. در خصوص نقش واسطه‌ای سبک هویت سردرگم در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان، نتایج تحقیق ساموولیس و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد، دلبستگی نایمن به والدین و عدم اعتماد به آنها پیش‌بینی کننده هویت سردرگم و آشفته می‌باشد. در واقع نوجوان‌هایی که از جانب والدین طرد می‌شوند و به لحاظ عاطفی با والدین فاصله دارند، دچار سردرگمی هویت می‌گردند.



یادداشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1. cognitive emotion regulation strategies | 2. attachment theory |
| 3. internal working model | 4. identity styles |
| 5. informational style | 6. normative style |
| 7. diffuse- avoidance style | 8. Attachment Style Scale |
| 9. Identity Style Scale | 10. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) |

● منابع

- آذنیاد، آرش. مدنی، مهتاب و ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های پردازش هویت و راهبردهای حل تعارض با بهزیستی روانشناختی. *مجله روانشناسی*. ۲۰(۳)، ۳۶۰-۳۴۶.
- حجازی، الهه؛ و نگهبان سلاحي، محمود. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی به والدین و همسالان با سبک‌های هویت در نوجوانان. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۸۲، ۱۳۲-۱۰۷.
- رمضان زاده، فاطمه. مرادی، علیرضا و محمدخانی، شهرام. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی در روان‌بنه‌های هیجانی و نیم‌رخ خطر مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر. *مجله روانشناسی*. ۱۹(۴)، ۳۹۳-۳۸۰.
- رنجبر نوشری، فرزانه. زارع، حسین. برادران، مجید و معما، ندا. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مدیریت‌تنبیدگی بر خودکارآمدی، نظم‌جویی شناختی هیجانی و بهزیستی روانشناختی. *مجله روانشناسی*. ۲۰(۴)، ۴۶۷-۴۵۳.
- غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). اعتبار یابی پرسشنامه سبک هویت. *مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱(۱)، ۸۱-۹۶.
- محمدی، حمیده و مزیدی، محمد. (۱۳۹۳). نقش دینداری در پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان. *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴(۱۳)، ۶۲۰-۶۰۵.
- Baker, C. N., & Hoerger, M. (2012). Parental child-rearing strategies influence self-regulation, socio-emotional adjustment, and psychopathology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study. *Personality and Individual Differences*, 52, 800-805.
- Berman, A. M., Schwartz, S. J., & Kurtines, W. (2001). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence*, 24, 513-528.
- Berzonsky, M. D. (1994). Self-identity: The relationship between process and content. *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.

- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An international. *Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 55–76). New York: Springer.
- Berzonsky, M. D., & Papini, D. R. (2014). *Identity processing styles and value orientations: The mediational role of self-regulation and identity commitment*. *Identity*, 14(2), 96-112.
- Beyers, W., & Goossens, L. (2008). Dynamics of perceived parenting and identity formation in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 31, 165-184.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger*. New York: Basic Books.
- Eisenberg, N., Hofer, C., & Vaughan, J. (2007). Effortful control and its socioemotional consequences. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.
- Eryigit, S., & Kerpelman, J. (2009). Using the Identity Processing Style Q-Sort to examine identity styles of Turkish young adults. *Journal of Adolescence*, 32, 1137-1158.
- Garner, P. W., & Waajid, B. (2012). Emotion knowledge and self-regulation as predictors of preschoolers' cognitive ability, classroom behavior, and social competence. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 30(4), 330-343.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. H. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40, 1659–1669.
- Garnefski, N., Koopman, H., Kraaij, V., & Cate, R. T. (2009). Brief report: Cognitive emotion regulation strategies and psychological adjustment in adolescents with a chronic disease. *Journal of Adolescence*, 32, 449-454.
- Gillath, O., Hart, J., Nofle, E. E., & Stockdale, G. D. (2009). Development and validation of a state adult attachment measure (SAAM). *Journal of Research in Personality*, 43(3), 362-373.
- Gross, J. J. (2007). *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.
- Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2007). Emotion regulation: Conceptual foundations. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford press. PP. 3- 24.

- Gulfem, C.S., Gul, A. (2005). Parental attitudes and ego identity status of Turkish adolescents. *Journal of Adolescence*, 40, 847-59.
- Jagers, J.W., Curch II, W. T., Tomek, S., Hooper, L.M., Bolland, K.A., & Bolland, J.M. (2014). Adolescent development as a determinant of family cohesion. A longitudinal analysis of adolescents in the mobile youth survey. *Journal of Child and Family Studies*. <http://link.springer.com/article/10.1007/s10826-014-9966-8>.
- Kerpelman, J. L., Pittman, J. F., & Lamke, L. K. (1997). Toward a microprocess perspective on adolescent identity development: An identity control theory approach. *Journal of Adolescent Research*, 12, 325-346.
- Kohn, J. L., Rholes, W. S., & Schmeichel, B. J. (2012). Self-regulatory depletion and attachment avoidance: Increasing the accessibility of negative attachment-related memories. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48(1), 375-378.
- Kring, A. M., & Sloan, D. M. (2010). *Emotion regulation in psychopathology: A transdiagnostic approach to etiology and treatment*. New York NY: Guilford.
- Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and adaptation*. New York: Oxford University Press.
- Leahy, R. L. (2012). *Emotion regulation in psychotherapy*. New York: Guilford Press.
- Lopez, F. G., & Gormley, B. (2002). Stability and change in adult attachment style over the first-year collage transition: Relation to self confidence, coping and distress patterns. *Journal of Counseling Psychology*, 49(3), 355-364.
- Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood, and adulthood: A move to the level of representation. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 50(1-2), 66-104.
- Matos, P. M., Barbosa, S., Almeida, H. M., & Costa, M. E. (1999). Parental attachment and identity in portuguese late adolescents. *Journal of Adolescence*, 22, 805-8180.
- Mennin, D. S., & Fresco, D. M. (2010). Emotion regulation as an integrative framework for understanding and treating psychopathology. In A.M., –Kring, & D.M. Sloan (Eds.), *Emotion regulation in psychopathology: A transdiagnostic approach to etiology and treatment*. New York, NY: Guilford.
- Mikulincer, M. (1998). Adult attachment style and affect regulation: Strategic variations in self-appraisals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 420-435.
- Mikulincer, M., & Orbach, I. (1995). Attachment styles and repressive defensiveness: The accessibility and architecture of affective memories. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 917-925.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: structure, dynamics, and change*. The Guilford Press.

- Nolen-Hoeksema, S., Wisco, B. E., & Lyubomirsky, S. (2008). Rethinking rumination. *Perspectives on Psychological Science, 3*, 400-424.
- Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioural strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development, 21*, 555-570.
- Pascuzzo, K., Cyr, C., & Moss, E. (2013). Longitudinal association between adolescent attachment, adult romantic attachment, and emotion regulation strategies. *Attachment & Human Development, 15*(1), 83-103.
- Ramani, G. B., Brownell, C. A., & Campbell, S. B. (2010). Positive and negative peer interaction in 3-and 4-year-olds in relation to regulation and dysregulation. *Journal of Genetic Psychology, 171*(3), 218-250.
- Rothbard, J. C., & Shaver, P. R. (1994). Continuity of attachment across the life span. In M. B. Sperling & W. H. Berman (Eds.), *Attachment in adults: Clinical and developmental perspectives* (pp. 31-71). New York: Guilford.
- Samuolis, J., Layburn, K., & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students. *Journal of Youth and Adolescence, 30*, 373-384.
- Scharf, M., Mayseless, O., & Kivenson-Baron, I. (2004). Adolescents' attachment representations and developmental tasks in emerging adulthood. *Developmental Psychology, 40*, 430-444.
- Smits, I., Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B., Berzonsky, M., Vleioras, G., & Bosma, A. H. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents, processing of identity-relevant information. *Journal of Adolescence, 31*, 151-164.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005). Identity styles and causality orientations in search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality, 19*, 427-442.
- Vimz, B., & Pina, W. (2010). The assessment of emotion regulation: Improving construct validity in research on psychopathology in youth. *Journal of Psychology and Behavioral Assessment, 10*, 169-178.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. L. (1998). The identity style inventory: A revision with sixth-grade readind. *Journal of Adolescent Research, 13*(2), 233-245.

